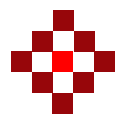




خطبه‌های نماز جمعه قزوین
توسط حجت الاسلام والمسلمین علی قابل
(امام جمعه موقت قزوین)
۹۶/۸/۵



خطبه اول



قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾
(التوبة/ ١٠٩)

آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط پی ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می افتد و خدا گروه بیدادگران را هدایت نمی کند

خدای متعال با همین بیان بندگان خود را به تقوا تشویق و دعوت می کند. دعوت همراه با تشویق؛ می فرماید ما می توانیم دو جور زندگی داشته باشیم؛ یک زندگی آن است که روی چارچوب تقوا بنا شده است. روی چارچوب تقوا بنا شده است یعنی چه؟ یعنی بر اساس اعتقاد به خدای متعال بنا شده است. کسی که تقوا دارد حتما این مرحله را گذرانده است؛ به خدای متعال مؤمن است.

نمی شود کسی مؤمن نباشد اما با تقوا باشد؛ تقوا میوه ایمان است. اگر شجره طیبه ایمان نباشد، این میوه از کجا می خواهد پیدا شود؟! پیدایش تقوا بر شاخساران شجره طیبه ایمان مقدور و میسر است. تقوا اینگونه پیدا می شود.

بنابراین کسی که تقوا دارد، به خدا ایمان دارد؛ کسی که تقوا دارد، به روز قیامت و رستاخیز و به جهان پس از مرگ ایمان دارد و همه زندگی اش را بر اساس جهان پس از مرگ مهندسی و برنامه ریزی می کند؛ کسی که تقوا دارد، خیال نمی کند که مرگ پایان همه چیز است؛ بلکه مرگ مثل دانشگاهی زندگی او را ساماندهی می کند؛ او را آبرومند می کند. همین مرگ برای انسان آبرو و عزت می آورد و انسان را ادب می کند و در مسیر تربیت قرار می دهد. پس بنیان و زیرساخت زندگی یک انسان با تقوا، ایمان به خدا و ایمان به روز رستاخیز است.

وقتی که اول و آخر زندگی مشخص شد، مبدأ و معاد معلوم شد، اعتقاد به خدا و رستاخیز یا



گرفت، آنوقت بین این مبدأ و معاد، بین این آغاز و انجام، زندگی یک انسان مؤمن می‌شود؛ وقتی که این انسان می‌خواهد در این زندگی دنیایی اش برنامه ریزی کند، می‌گوید من که به خدا اعتقاد دارم و به رستاخیز معتقد هستم، پس باید یک سری به خدا بزنم و از او بپرسم که من باید چگونه زندگی کنم. همین که می‌آید با خدا هماهنگ شود خدا او را به فرستادگان خودش هدایت می‌کند، می‌فرماید من پیغمبران را برای همین فرستادم که تو با آنها ارتباط بگیری و زندگی خودت را ساماندهی کنی؛ و لذا نقش انبیاء در زندگی انسان مطرح می‌شود و نقش رسالت و امامت جای خودش را پیدا می‌کند و نیاز انسان به وحی و پیام خدا مطرح می‌شود. وقتی که به اینجا می‌رسیم پای کتاب آسمانی به میان می‌آید، پای قرآن به میان می‌آید. همه اینها زیرساخت های زندگی بر اساس تقوا است. حال به خدمت پیغمبران می‌رویم، می‌گوییم شما چه حرفی برای ما دارید؟ می‌گویند ما هیچ حرفی از خودمان نداریم:

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾ (النجم/۴)

این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. ما هر چه داریم خداوند به ما وحی کرده است. پای قرآن به میان می‌آید. می‌خواهیم قرآن را بفهمیم و در زندگیمان به اجرا در بیاوریم، می‌گوییم خدایا حالا چه کار کنیم؟! این قرآن، کتاب تو، این کتابنامه زندگی انسان؛ ما باید چه کار کنیم؟! چه وظیفه ای در قبال این داریم؟ خداوند پیغمبر ﷺ و آل او را و جانشین رسول خدا ﷺ را به عنوان مفسران کتاب خود معرفی می‌کند و می‌فرماید نگاه کنید و از اینها یاد بگیرید. و لذا پای امامت و ولایت به میان می‌آید. رسول گرامی اسلام ﷺ خودش هم رسول است، هم نبی است و هم ولی و امام است و بعد از ایشان، حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام تا حضرت

حجت؛ ع؟ جانشینان آن حضرت هستند و یکی پس از دیگری الگو، اسوه، معلم و آموزگار وحی الهی و قرآن کریم و مربی انسان ها و زندگی ساز بشریت می‌شوند.

آیه ای که قرائت کردم این نقشه را بیان می‌کند و می‌فرماید **أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ**؛ آیا زندگی کسی که با تقوای الهی خودش را هماهنگ کرده است، یعنی به خدا و رستاخیز ایمان دارد، به نبوت و رسالت ایمان دارد، به ولایت و امامت ایمان دارد و به کتابهای آسمانی و وحی الهی ایمان دارد، بهتر است یا زندگی کسی که در پرتگاه آتش جهنم ایستاده و هر لحظه در حال ساقط شدن است؟! کدام بهتر است؟ در حقیقت مشخص می‌کند که یا زندگی انسان بر اساس تقوای الهی است و اگر بر اساس تقوای الهی نباشد، بر لبه پرتگاه جهنم و نابودی است. بی آبرویی و استرس و اضطراب و نگرانی است.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ (طه/۱۲۴)

و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نایبنا محشور می‌کنیم. هر کس که با سازمان دینی من زندگی نکند، در مضیقه خواهد بود؛ چنین کسی در اضطراب زندگی می‌کند، در یأس و ناامیدی به سر می‌برد و در زندگی آرامش ندارد؛ برای اینکه **﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾**؛ هم این آیه شریفه و هم آیه ۱۰۹ سوره مبارکه توبه ما را هم به تقوا دعوت می‌کند و هم به تقوا تشویق می‌کند؛ هم نشان می‌دهد که اگر زندگی انسان بر اساس تقوا نباشد، انسان در لبه پرتگاه جهنم خواهد بود؛ نه فقط جهنم بعد از مرگ، در دنیا هم در لبه پرتگاه جهنم خواهد بود.

به عنوان مثال این داعشی‌های جهنمی را ببینید؛ اینها زندگی‌شان را بر اساس بی‌تقوایی بنا کرده‌اند؛ بر اساس مزدور دشمنان خدا بنا کرده‌اند؛ بر اساس مدیریت استکبار جهانی زندگی کرده‌اند؛ اینها ظلم و جنایت کردند و ویرانه به جای گذاشتند، انسان‌ها را کشتند، فرزندان را یتیم کردند، میلیون‌ها انسان را آواره کردند، با تمدن و بشریت درافتادند؛ عاقبتشان چه شد؟ عاقبت جهنمی شدند؛ حتی آن اربابانی که این سگ‌های هار و خطرناک را تحریک کرده بودند و به جان مردم انداخته بودند، همان‌ها هم الان از اینها واهمه دارند و می‌گویند اینها کارشان در آنجا تمام شده است؛ بساط اینها به دست قدرتمند بسیج مسلمان در سراسر جهان و کشورهای اسلامی برچیده شد. اینها مثل ویروس‌هایی هستند که ممکن است برگردند و به جان همان کسانی بیفتند که اینها را تحریک کرده بودند. هم‌دنایشان و هم‌آخرتشان جهنم است،

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (الأنبياء/۱۰۰)

و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد می‌فرماید این تقدیر ما است؛ ما مصوب کردیم و عالم را برای همین مسأله بسیج کردیم که آینده زمین را اهل ایمان و تقوا مدیریت کند. این اراده خداوند است و این اراده را در جاهای مختلف قرآن نشانه داده است. مثلاً می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (القصص/۵)

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم ما اراده کردیم، اراده خدا تغییرناپذیر است.

﴿لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ﴾ ، لا تبدیل لسنه الله، تغییر و تبدیل در کلمات خدا و سنت خدا نیست. مسلمان آینده جهان با مدیریت اهل تقوا است. رهبر فرزانه انقلاب ما نیز همواره آینده را آینده امیدوار برای ما ترسیم می‌کنند. یأس و ناامیدی نسبت به آینده مال دشمنان خدا است. آنها رو به اضمحلال و افول می‌روند و بندگان خدا رو به پیروزی و موفقیت می‌روند و رو به اتحاد و انسجام قدم بر می‌دارند. خدا تضمین کرده است که آینده جهان آینده بندگان صالح است. بله دشمنان خدا آرام نمی‌نشینند. آنها هم مقابل اراده خدا ایستاده‌اند. البته خیال می‌کنند که ایستاده‌اند.

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (الصف/۸)

می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾ ؛ دشمنی را جدی بگیرید. ﴿الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ ، شیطان که عدو مبین است، محصولش در زندگی انسان خسارت آشکار است. این یک اصل در زندگی فردی و اجتماعی ما است و راه دیگری وجود ندارد. خدای متعال می‌فرماید اگر سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهید باید زندگی را با تقوای الهی ساماندهی کنید.

مطلب اول: خدای متعال قرار گذاشته است که آینده جهان را به دست اهل ایمان و تقوا بگذارد. آیا خدا بندگان را به اینجا آورده است که همین‌جور روی کره زمین رها کند؟ خیر؛ >إِنَّ

مطلب اول: خدای متعال قرار گذاشته است که آینده جهان را به دست اهل ایمان و تقوا بگذارد. آیا خدا بندگان را به اینجا آورده است که همین‌جور روی کره زمین رها کند؟ خیر؛ >إِنَّ

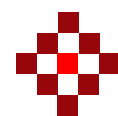


و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید
 آنها هم اراده کردند که با نور خدا در بیفتند. هر کس با خدا، با نور خدا، با دین خدا، با اهل بیت خدا و با آل علی علیهم السلام در افتاد، ورافتاد. آنها اینجوری خیال می کنند. اما یقین داریم همان اتفاقی خواهد افتاد که خدا اراده کرده است. اراده دشمنان خدا ارزشی ندارد که بخواهد مطرح شود.

مطلب دوم: خدای متعال برای اهل تقوا و ایمان هم در دنیا و هم در آخرت سعادت را مشخص کرده است.
﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (القصص/ ۸۳)
 آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است

خداوند می فرماید زندگی معنوی هم در دنیا و هم در رستاخیز و قیامت از آن کسانی است که مستکبر نیستند. **﴿أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى﴾** نمی گویند؛ **﴿لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾** ، تصمیم نگرفتند که در زمین برتری جویی کنند و خودشان را نشان بدهند، منافع خودشان را دنبال کنند؛ این در کارشان نیست. اهل تقوا هستند، اهل ایمان هستند، اهل فداکاری و ایثار هستند، از خودگذشتگی دارند، از مال و جانشان می گذرند. هم آینده دنیایی و هم آینده آخرتی و هم عزت و آبرو و آرامش و بهشت از آن اینها است؛ **﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾**. عاقبت مال اهل تقوا است. **﴿وَالْعَاقِبَةُ لِأَهْلِ التَّقْوَى وَالْيَقِينِ﴾**؛ عاقبت مال آنهایی است که اهل تقوا هستند و در اعتقاداتشان به خدا و قیامت یقین دارند. این شاء الله خدا همه ما را اهل ایمان و تقوا قرار بدهد و هر روز بر ایمان و تقوایمان بیفزاید به برکت صلوات بر پیمبر و آل پیمبر صلوات الله عليهم و آله.

خطبه دوم



اوصیکم عباد الله
و نفسی بتقوی الله و نظم امرکم.

مناسبت ها

شهادت امام عسگری علیه السلام

ضمن تسلیت شهادت مظلومانه امام عسگری علیه السلام خدمت همه محبان آن حضرت و همه مستضعفان عالم و همه مسلمانان جهان به ویژه به فرزند برومند آن حضرت منجی عالم بشریت حضرت حجت ابن الحسن العسگری علیه السلام و نیز خدمت رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی، تقوا را از زبان آن حضرت می شنویم. می خواهم دو حدیث از زبان امام عسگری علیه السلام نقل کنم؛ از شما علاقمندان به آن حضرت هم خواهش کنم که اگر قبلا این حدیث را شنیده اید که الحمد لله، خدمت شما یادآوری می کنم و اگر هم نشنیده اید به ذهنتان بسپارید و تا ممکن است برای دیگران هم بگویید؛ یعنی به دوستان و همکاران و فرزندانمان انتقال بدهیم و بگوییم امام علیه السلام چنین بیان نورانی را مطرح کرده است.

حدیث اول: امام عسگری علیه السلام فرمودند: **﴿لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَأَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ﴾**؛ عبادت، زیاد نماز خواندن و روزه گرفتن نیست؛ اگر نماز واجبت را خواندی و توانستی نمازها و روزه های مستحبی به جا آوری، مبارک و خیر است. اما فکر نکن عبادت فقط همین است؛ ادامه دارد، ادامه اش چیست؟ **﴿وَأَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ﴾**؛ عبادت این است که انسان در آنچه که به خدا مربوط می شود، فکر کند. بیاندیشد و عقلش را به کار بگیرد، دغدغه داشته باشد، ببیند که چقدر نسبت به اعتقاداتش محکم است. این مربوط به خدا می شود. راجع به قرآن: این قرآن را خدای متعال نازل کرده است؛ با من چه کار داشته است؟ این همه فرموده **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ، يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ، يَا بَنِي آدَمَ،﴾** من بنی آدم هستم، من انسان هستم، من ناس هستم، هر کدام از اینها دارد با من حرف می زند، لابد کاری دارد که من را صدا می کند، برای من بد است که بمیرم و نفهمم که بعد از این **﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ﴾** خداوند چه فرموده است؛ یا بعد از این



يَا بَنِي آدَمَ می خواسته است چه حرفی را به من انتقال بدهد؛ اینکه من روحم هم خبر نداشته باشد برای من پد است. باید برای اینها فکری کرد. **كثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ**؛ آیه آیه قرآن ما را به فهمیدن دعوت می کند. من چقدر وقت گذاشتم که قرآن را بفهمم؟ چه اتفاقاتی دارد برای دین خدا و مسلمانانی که بندگان خدا هستند، می افتد؟ چه بر سرشان می آید؟ اگر امام ما و رهبر ما و مرجع ما به فکر مسلمانان عراق نمی بودند و در امر خدا فکر و اندیشه نمی کردند، الان سوریه و عراق چه سرنوشتی داشتند؟ کار یمن به کجا می رسید؟ فلسطین و لبنان چه شده بودند؟ اوضاع بد می شد. یک بنده فرهیخته خدا آمد و راجع به اینها فکر کرد، همه چیز عوض شد، دشمن ذلیل شد و مسلمانان سر بلند شدند. آوازه پیروزی بسیج مقتدر و سپاه قدرتمند در عالم پیچید؛ این یعنی تفکر در امر خدا. امام ما آمد و تفکری در امر خدا کرد. بنیانگذار انقلاب اسلامی عجل الله فرجه بسیج را پایه گذاری کرد. جهانیان را امیدوار کرد و به مستضعفان روحیه بخشید، مستکبران را تحقیر و خرد کرد؛ این یعنی تفکر در امر خدا. راجع به رژیم صهیونیستی فرمود اگر مسلمان ها هر کدام یک سطل آب بریزند، این رژیم منحوس را آب می برد و نابود می شود. فرمود این غده سرطانی باید از میان برداشته شود؛ این یعنی تفکر در امر خدا. امام و مرجع و پیشوای ما فرمود اگر اسرائیل غلطی بکند، تل آویو و حیفا را با خاک یکسان می کنیم؛ این یعنی تفکر در امر خدا. قرآن در میان مسلمین مطرح شد، مسلمانان در جهان با عزت و احترام شناخته شدند، این نتیجه تفکر در امر خدا است. باید در کار خدا زیاد تفکر کرد، هر کسی از خودش بیپرد من راجع به خدا، دین خدا، برای زندگی ای که خدا می پسندد، برای شهری که خدا دوست دارد ما داشته باشیم، برای روستایی که خدا دوست

دارد ما داشته باشیم، برای مسجدی که خدا می پسندد، برای نمازی که خدا می پسندد، برای آموزش و پرورش که خدا می پسندد، برای دانشگاهی که خدا می پسندد، برای اداره ارشادی که خدا می پسندد چه وظایفی به عهده داریم؟! کسی بیاید و روی اینها فکر کند. امام عسگری علیه السلام ما را به این معنا دعوت می کند. امیدواریم دعوت امام علیه السلام را جدی بگیریم. حدیث دوم: حدیث دوم برای این روزها است، این حدیث واقعا عجیب است. شیعیان ما چه کسانی هستند؟ کسانی فقط اسمشان شیعه شد؟ خیر، انگار که دارد بسیج ما و جامعه ما را و ولایتمداران ما را در پیروی از رهبر فرزانه انقلاب تعریف می کند. حضرت فرمودند **شِيعَتُنَا الْفِتْنَةُ النَّاجِيَةُ** شیعیان ما آن گروهی هستند که اهل نجات هستند. می شود اهل نجات را دو جور معنا کرد؛ یکی اینکه خودشان نجات پیدا کردند، اینها دیگر از شر طاغوت نجات پیدا کرده اند، از شرک و کفر نجات پیدا کرده اند، ایمان آورده اند و انقلابی شده اند. باز هم اهل نجات هستند؛ یعنی دیگران را هم نجات می دهند؛ اینها سوریه را نجات دادند، شیعیان ما غزه را نجات دادند، شیعیان ما اقتدار لبنان را ارتقاء بخشیدند، روحیه مردم یمن و بحرین و عراق و همه از این شیعیان خالص ما برخاسته است. الان این امیدبخشی شیعیان ما دارد هر روز در آفریقا عمیق تر و وسیع تر می شود. پس **شِيعَتُنَا الْفِتْنَةُ النَّاجِيَةُ** شیعیان ما یعنی بسیجیان، شیعیان ما یعنی مدافعان حرم، شیعیان ما یعنی مجاهدان در راه خدا. شیعیان ما یعنی آنهایی که در صفوف نمازهای جمعه و جماعت اهتمام می ورزند. شیعیان ما یعنی آنهایی که می گویند رسول گرامی ما صلی الله علیه و آله به ما فرموده اند **مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ**، اگر صدای کمک خواهی



آمريکا
در رأس
دشمنان
اسلام است

حضرت امام خميني رحمته الله عليه

سازمان مجاهدین

کسی را که هر دین و آئینی دارد، بشنوید و به یاری او نشتابید مسلمان نیستید. این یعنی شیعه امام عسکری علیه السلام.

وَالْفِرْقَةُ الزَّائِكِيَّةُ؛ شیعیان ما یعنی آن گروهی که اهل تزکیه هستند. به فکر اخلاقشان هستند. حرفی را که می‌زنند مؤدبانه می‌گویند، رفتاری که با همسرشان، فرزندشان، پدرشان، مادرشان، همسایه‌اشان، بزرگترشان، معلمشان و شاگردانشان دارند، همه بر اساس رحمت و عطف و تعلیم و تربیت و مهربانی و انسانیت است. اهل تزکیه هستند.

صَارُوا لَنَا رَادِّئًا وَصَوْنًا؛ شیعیان ما محافظ ما هستند. دین و عزت و آئین ما را حراست می‌کنند. در دفاع از حرم جانشان را فدا می‌کنند. فرزندانمان را بسیج می‌کنند.

وَعَلَى الظُّلَمَةِ البَّاءُ وَعَوْنًا؛ برای سرکوب ستمگران پا در رکاب هستند. بینی کفار را به خاک می‌مالند. شاید چند سال پیش می‌گفتیم قرار است که بینی ستمگران را به خاک بمالند. اما امروز بعد از این پیروزی‌های بزرگی که مستکبران جهان دست به یکی شده بودند، الان دیگر می‌گوییم الحمد لله این اتفاق افتاد.

سَيَفْجُرُ لَهُمُ يَنَابِيعُ الْحَيَوَانِ بَعْدَ لَطْفِ مُجْتَمَعِ النِّيرَانِ أَمَامَ الرُّوضَةِ؛ طولی نخواهد کشید که چشمه‌های زندگی برای اینها جاری خواهد شد. بعد از آتش افروزی‌های دشمنان خدا و پیش از روضه، یعنی پیش از ظهور منجی عالم بشریت، خدا چشمه‌های حیات و زندگی افتخار آمیز و آرامش بخش و آبرومندانه را برای شیعیان ما رقم خواهد زد. این بشارت بسیار امیدبخشی است.

پیروزی بزرگ جبهه مقاومت بنده چند جمله راجع به مهمترین نکات پیروزی بزرگ جبهه مقاومت خدمت شما عرض کنم
نقشه اول: امروز آمریکاییها و هم پیمانان

انگلیسی و سعودی شان اعتراف می‌کنند که ما برای کشورهای اسلامی نقشه‌ای به نام داعش و تکفیری کشیده بودیم؛ نقشه‌ای بود که مطمئن بودیم کشورهای اسلامی سی سال در فتنه و خونریزی و آشوب و جنگ داخلی به نابودی کشیده می‌شوند. سی سال طول می‌کشد تا بتوانند جمعش کنند. اما الحمد لله به یاری خدا و به دست امداد الهی این نقشه شوم خیلی زود بساطش برچیده شد.

نقشه دوم: هدف و نقشه‌ی دیگری که داشتند این بود که شعله جنگ و آشوب و فتنه را از اطراف ایران روشن کنند و این آتش را به داخل نظام جمهوری اسلامی و مرکز فرماندهی همه مسلمانان جهان سرایت دهند تا مقاومت اسلامی از مرکز آسیب ببیند. اما نتیجه چه شد؟ ما قبلاً از جمهوری اسلامی تا مرزهای رژیم غاصب صهیونیستی فاصله‌ها داشتیم، با این اقدام آن‌ها که می‌خواستند جنگ را به داخل کشور ما بیاورند زمینه‌ای فراهم شد که پای ما به مرزهای رژیم صهیونیستی باز شد؛ امروز سلاح ما، قدرت ما، سپاه و بسیج و نیروهای مجاهد و مبارز ما در مرز اسرائیل، رژیم صهیونیستی را نشانه می‌گیرند. الحمد لله نتیجه نقشه آن‌ها اینچنین شد. نقشه سوم: سومین نقشه و هدفی که داشتند ایران هراسی و شیعه هراسی بود. می‌خواستند اسلام ناب، شیعیان و اهل بیت علیهم السلام و ایران اسلامی را به گونه‌ای ترسناک جلوه دهند که تا مردم دنیا نام شیعه می‌شنوند از آن بترسند و بگویند اینها چگونه موجوداتی هستند؟ کاری که آنها می‌خواستند این بود اما نتیجه‌ای که خدا عنایت فرمود این شد که همه جهانیان که تا دیروز شیعه را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که در ایران چه خبر است و تحت تأثیر تبلیغات آمریکا و اسرائیل ایران را می‌شناختند، فهمیدند که فرقه ناجیه،

و به ایران احترام می‌گذارد، غزه وقتی پیروز می‌شود به ایران تبریک می‌گوید، به رهبر و ملت ما تبریک می‌گوید. کشورهای اسلامی همه احساس می‌کنند که باید از ایران الگو بگیرند. آ‌ها می‌خواستند این اتفاق نیفتد. اما نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که عزیزان ما در عراق فهمیدند که باید از بسیج ما الگو بگیرند تا نجات پیدا کنند لذا حشد الشعبی را تأسیس کردند و در سوریه نیز بسیج مردمی و حشد الشعبی دیگری پا گرفت؛ می‌خواستند ایران را منزوی کنند اما ایران را به عنوان قلب، محور و رهبر و به عنوان مدیریت کننده مسلمانان جهان شناختند، و لذا الان از پاکستان و افغانستان و دیگر کشورهای عربی و غیره، می‌خواهند در مقاومت اسلامی مشارکت داشته باشند و با ایران اسلامی هماهنگ هستند و هم‌رزم و همنگر مبارزه می‌کنند. به هر حال خدای متعال وعده داد و وعده اش محقق شد.

﴿وَمَكْرُؤًا وَّمَكْرَ اللَّهِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾
(آل عمران/۵۴)

و [دشمنان] مکرورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُذِثْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/۷)
ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد
تشکیل بسیج

بسیج به فرمان امام در سال ۱۳۵۸ در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی بسیج را تشکیل دادند. خیلی خلاصه من عرض می‌کنم.

بسیجی یعنی چی؟ بسیجی یعنی مؤمن
﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾ (الأنفال/۲)

مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دلهایشان بترسد

ایرانی اسلامی است. ایران بود که ظلم را کنار زد. ایران بود که به داد مردم مستضعف و آسیب دیده رسید. مخصوصاً از این پس که ایرانیان به عنوان سازنده عمران و آبادانی در عراق و سوریه حضور جدی پیدا خواهند کرد، بیشتر این را متوجه می‌شوند. آنکه به داد مردم می‌رسد همین پیروان اهل بیت، شیعه جمهوری اسلامی ایران است.

نقشه چهارم: چهارمین نقشه ای که اینها داشتند و هدفی که پیش بینی کرده بودند این بود که بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند. داعشی‌ها بیایند چند شیعه را سر ببرند. شیعیان هم عصبانی شوند و بجان سنی‌ها بیفتند. اما بلافاصله رهبر خردمند انقلاب ما، امام و مرجع و پیشوای ما، هدایت فرمودند که اینجا بحث شیعه و سنی نیست. داعشی‌ها انگلیسی، آمریکایی و صهیونیستی هستند، نه شیعه هستند و نه سنی و نه مسلمان. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که سنی‌ها هم دیدند که شیعیان به داد آنها رسیدند، نه تنها سنی‌ها، بلکه مسیحیان عراق و سوریه هم دیدند که شیعیان آنها را نجات دادند. جمهوری اسلامی آنها را نجات داد. ایزدی‌های غیرمسلمان عراق هم باور کردند که اگر یک دست حمایتی به دادشان رسیده، شیعیان و جمهوری اسلامی ایران است. ایران در دنیا به عنوان چهره مسلح، خیرخواه و مهربان نسبت به همه اهل عالم شناخته شد، بعد آنها فهمیدند که دشمنی ما با ستمگران، صهیونیستها و استکبار جهانی است. وگرنه ما که با مردم دشمنی نداریم. ما خادم مردم هستیم، ما حامی مستضعفین هستیم، این را همه عالم فهمیدند. نقشه را آنها کشیدند. نتیجه خدایی و ارزشمند را خدا به ما روزی کرد.

نقشه پنجم: نقشه پنجم این بود که ایران را منزوی کنند. لبنان خود را وامدار ایران می‌بیند

بسیجی یعنی اهل تقوی.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ
إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید
بسیجی یعنی اهل بصیرت.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ
تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ (الأعراف/۲۰۱)

در حقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند

اهل تقوی تحت تأثیر تبلیغات شیاطین قرار نمی گیرند. بصیرت دارد. بسیجی یعنی وفادار، عهد و پیمانی با خدا بستیم. این عهد و پیمان را با جانمان، مالمان و با فرزندان و همه وجودمان پاسداری می کنیم، وقتی پاسداری کردیم لیاقت بسیجی بودن پیدا می کنیم. بسیجی یعنی مخلص، فداکار، ولایتمدار و شجاع؛ بسیجی را می برند که سرش از بدن جدا کنند اما با قامت استوار، چهره ای آرامش بخش دارد، نه تنها خود آرام است بلکه من و شما هم که از دور تصویرش را می بینیم آرامش پیدا می کنیم؛ شهید حججی نمونه ای از همه آن شهدای مدافع حرم است، چنین شخصی یعنی بسیجی؛ بسیجی یعنی اندیشمند، متفکر، عالم و دانشمند، اهل علم و اهل مطالعه، بسیجی یعنی کسی که دارای اخلاق حسنه است. آوازه اخلاقش در خانواده، فامیل، همکاران و در هر محیط و اداره و شهر و روستایی پیچیده است، بسیجی را باید به اخلاق شناخت، بسیجی یعنی مأنوس و علاقمند به قرآن و دارای عطش قرآنی؛ خدایا من عاشق کلام تو هستم، هر چه که دوست داری به من بگو، من گوش می

کنم و به آن عمل خواهم کرد. بسیجی یعنی اهل دعا و مناجات، بسیجی یعنی اهل توسل و زیارت، در راهپیمایی اربعین تعداد عظیمی از بسیجیان حرکت کردند. کسانی هم که زمینه رفتنشان نبود دل خود را فرستادند، آنهایی که دلشان را فرستادند هم بسیجی اند.

بسیجی یعنی اهل توکل و اعتماد به خدا و وعده های الهی، وقتی خدا می فرماید آینده جهان از آن بندگان صالح من است، این سخن را همه باور نمی کنند بلکه بسیجی ها باور می کنند.

بسیجی یعنی منتظر ظهور موعود منجی عالم بشریت. روز ولایت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

چون خدا یک لحظه زمینش را بدون حجت نمی گذارد، همینکه امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت می رسد بدون وقفه و فاصله ولایت مولا و صاحب ما آغاز می شود. این آغاز ولایت منجی عالم بشریت را به همه اهل عالم تبریک می گوئیم و بشارتش را هم می دهیم، شاید مسیحیان با مفهوم منجی عالم بشریت خیلی آشنا نباشند، شاید بعضی از فرق اهل سنت خیلی ندانند، ما اگر به آنها این خبر را برسانیم، امید را در دل آنها زنده کرده ایم، زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فقط امام شیعیان نیست، امام اهل عالم است، فقط منجی ایران و یا کشورهای اسلامی نیست، بلکه منجی عالم بشریت است. بنابراین تبریکش هم مال همه عالم است. بایستی همه اهل عالم منتظرش باشند. اگر منتظر نیستند کوتاهی من و شماست. ما فرهنگ مهدویت و انتظار را آنگونه که باید جا نینداخته ایم.

زلزله غرب کشور

چون بنده بعد از زلزله اولین خطبه است که خدمت شما آمده ام بنابراین تسلیت عرض می کنم به بازماندگان آن کسانی که در زلزله جان



خیل جمعیت و عاشقان اهل بیت که به خانواده محترم این شهید بزرگوار احترام گذاشتند، بنده به منزلشان رفتم، پدر بزرگ، مادر، عمو و همه خانواده بسیجی پای کار بودند، شهید روح الله رحیمی هم تنها شهیدشان نیست، شهدای دیگری هم داشتند، در قزوین نبوده است ولی از پسر عموها در مشهد و جاهای دیگر شهید شده بودند؛ خدا به خانواده معزز و محترم و فرهنگی و مخلصشان صبر و اجر عنایت کند، ما را هم پاسدار حرمت خون این شهید و همه شهیدان قرار دهد.

اجلاس محبان اهل بیت علیهم السلام

از سراسر دنیا محبان اهل بیت علیهم السلام جمع شده بودند. ممکن بود شیعه هم نباشند ولی محب اهل بیت علیهم السلام هستند، این اتفاق جدیدی است که در عالم رقم می خورد و انشاء الله فرهنگ اهل بیت؟ عهم؟ را عالمگیر خواهد کرد. همان اهل تقوی هستند که هر روز با درایت امام، مرجع و پیشوای ما ساماندهی و رهبری می شوند تا آینده جهان را بسازند و زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت باشند.

باختند و آسیب دیدند، هم باید تشکر کنیم از همه اقشار، بسیجی های عزیزی که اولین کسانی بودند که آنجا حضور پیدا کردند و هنوز هم تلاش می کنند؛ به مدیران، مسئولان، دولت و همه کسانی که صادقانه و صمیمانه وارد شدند تا خدمت کنند خدا قوت می گوئیم و تشکر می کنیم؛ خدا انشاء الله از آنهايي که از نظر مالی کمک کردند، این همدردی ها و همراهی ها شما را به شایستگی قبول کند؛

بنده فراوان دیدم که روستاهای منطقه سرپل ذهاب و اطراف و اکناف آن زمانی که هنوز جنگ هم نشده بود وضع بدی داشتند، جنگ آمد و آن خرابی ها را برایشان ایجاد کرد؛ امروز هم که زلزله آمده است و گرفتاری جدید برایشان به وجود آمده است، امیدواریم که انشاء الله وضعیتشان، ساخت و سازشان شکل دیگری پیدا کند و مردم محروم و مظلوم غرب کشور ما در فراه و آسایش قرار بگیرند. شهادت مدافع حرم، فرزند فرهیخته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و عضو برجسته فرقه ناجیه، شهید بزرگوار روح الله رحیمی ایشان اهل کشور مسلمان و غیرتمند افغانستان بودند، تشییع جنازه شان را ملاحظه فرمودید،

سازمان جمعیت قرین

